



سرشناسه: شاو، ریانون Shove, Rhiannon عنوان و نام پدیدآور: بعد از نوشتن بسوزان / نویسنده: ریانون شو؛ مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۴۰۱. مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص: مصور (بخشی رنگی) شابک: ۲-۳۵۱-۲۷۴-۶۲۲-۹۷۸ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا یادداشت: عنوان اصلی: 2016 Burn after writing teen موضوع: خودشناسی Self-perception موضوع: خودآگاهی (Self-consciousness (Awareness) شناسه‌ی افزوده: انتشارات پرتقال، واحد ترجمه رده‌بندی کنگره: BF۶۳۷ رده‌بندی دیویی: ۱۵۸/۱ شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۶۳۸۱۳ اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا ۷۲۲۹۰۱

پرتقال!

انتشارات پرتقال

بعد از نوشتن بسوزان

نویسنده: ریانون شو

دبیر مجموعه: میترا امیری لرگانی

ویراستار: فرناز وفاپی دیزجی

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی

گرافیک متن: حمیده سلیمانی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۲-۳۵۱-۲۷۴-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش‌سبز

چاپ: مجتمع چاپ پرسیکا

صحافی: مهرگان

قیمت: ۱۱۹۰۰۰ تومان

کلیه‌ی حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است



porteghaalpub

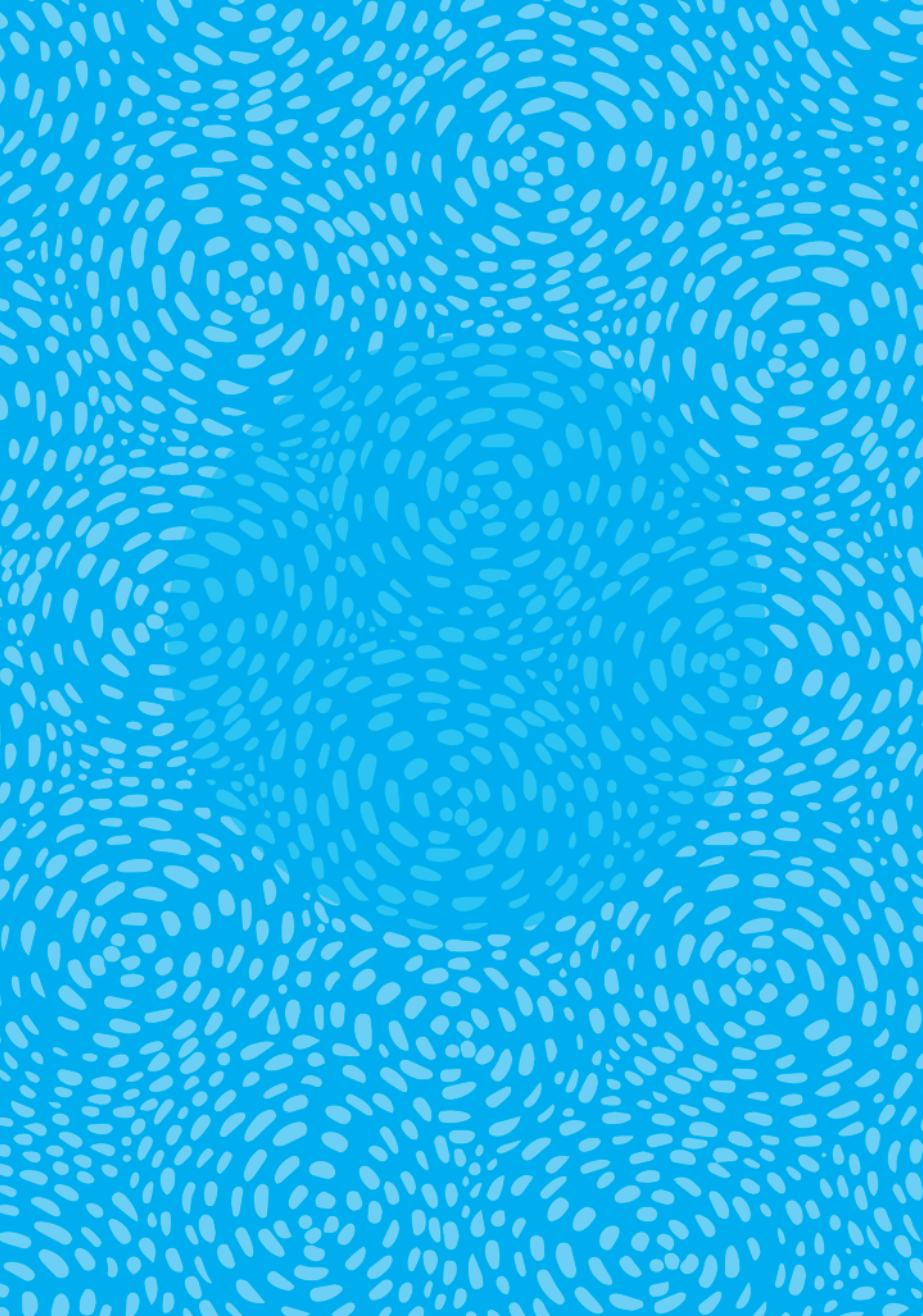


۰۲۱-۶۳۵۶۴



۳۰۰۰۶۳۵۶۴

www.porteghaal.com kids@porteghaal.com



«قلم قدرتمندتر از صفحه‌کلید است.»

دست خط آدم‌ها مثل اثر انگشت و صدای آواز است؛ منحصر به فرد و مخصوص به خود آدم. دست خط تو خیلی چیزها را لو می‌دهد و به محض اینکه قلمت روی کاغذ می‌نشیند، مشخص می‌شود توی دلت چه خبر است.

در این روزها که محتواهای مختلف با سرعت زیاد و نامحدود تولید می‌شوند، منحصر به فرد بودن است که همچنان زیبایی‌اش را حفظ کرده. فکر می‌کنی نوه و نتیجه‌ات نوشته‌هایت را در اینستاگرام یا فیس‌بوک می‌خوانند؟!

پس بد نیست یک چیزهایی را هم برای دنیای واقعی نگه داری. با دست خط خودت نوشته‌های زیبا بنویس و فکرهایت را رها کن روی کاغذ که جاودان بمانند.



خیلی خیلی خوش آمدی!

این کتاب یک فرصت است، فرصتی برای اینکه به سؤال‌های بزرگ زندگی‌ات فکر کنی. «من کی‌ام؟ چطور به اینجا رسیده‌ام؟ کجا می‌روم؟»

در این کتاب سؤال‌های عمیق، بازی‌های ذهنی، آزمون‌هایی برای تقویت اندیشه و تمرین‌هایی درباره‌ی موضوع مورد علاقه‌ات مطرح شده‌اند؛ بله... همه‌ی این‌ها درباره‌ی خود خودت است.

اصلاً این کتاب را جدی نگیر یا خیلی جدی بگیر یا هر دو! به خودت مربوط است!

ولی حواست باشد وقتی تمامش کردی، آن را جایی خاک کن، قایمش کن، بگذارش توی صندوقچه و فرار کن... یا بعد از نوشتن، آن را بسوزان.

در جامعه‌ای که همه چیز را باهم «به اشتراک می‌گذاریم» بعد از نوشتن بسوزان خلاف همه عمل می‌کند و با احترام از شما می‌خواهد هیچ چیز را «به اشتراک نگذارید».



به کتاب خودت خوش آمدی.

دست سرنوشت تو را به اینجا کشانده است. تو آمده‌ای اینجا تا با چند تمرین مرموز و جواب دادن به کلی سؤال، خود واقعی‌ات را بشناسی. چه کسی گفته با دو خط شوخی و خنده نمی‌شود آدم خودش را بشناسد؟

اینجا تنها جای امنی است که می‌توانی با خیال راحت یک‌ریز درباره‌ی خودت حرف بزنی و نگران نباشی بقیه درباره‌ات چه فکری می‌کنند. (چون به‌جز تو کسی اینجا نیست.) همیشه بقیه سعی می‌کنند به آدم بگویند چطور رفتار کند، اینجا می‌توانی بدون اینکه به عاقبتش فکر کنی، به دنیا بگویی در سرت چه می‌گذرد. خود واقعی‌ات کیست؟ شاید خودت هم از نتیجه شگفت‌زده شوی!

این کتاب، تصویری منحصر به فرد از خود واقعی‌ات را نشان می‌دهد، دقیقاً همان‌طور که همین الان هستی و دیگر هیچ‌وقت نخواهی بود.

سؤال‌های این کتاب برای آشکار کردن رموز و وجود تو طراحی شده‌اند. جسورانه و خلاقانه جواب بده. هیچ جوابی اشتباه نیست.



این کتاب تمرینی است برای مصاحبه‌ی بزرگ آینده؛ زمانی که دنیا شخصیت خارق‌العاده‌ات را کشف می‌کند و همه بیشتر می‌خواهند درباره‌ات بدانند.

برای انتخاب سؤال به نیروی احتمالات تکیه کن. (یعنی وقتی حوصله‌ات سررفت، همین طوری کتاب را ورق بزن و ببین چه پیش می‌آید.)

شاید هم این سؤال‌ها هستند که تو را انتخاب می‌کنند!

شاید روزی، چندین سال بعد، از این سؤال‌ها که مثل خرده‌نان مسیرت را مشخص می‌کنند، استفاده کنی تا دوباره به خودت و خانه‌ات برگردی.

ولی صبر کن!

سؤال‌ها را جواب بده. از خودت بازجویی کن! برو سراغ کارهایی که تا حالا ازشان دوری می‌کردی، از مرزهای محدوددهی امن و راحتت خارج شو. نه! منظورم این نیست که سروته روی مبل بنشینی. (هرچند اگر واقعاً لازم است سروته بنشینی، چرا که نه!)

« شما را به خیر و ما را به سلامت »

اگر خود واقعی‌ات نیستی، این کتاب به درد نمی‌خورد. چون اینجا چیزی نوشته نشده. نمی‌توانی همین طوری لابه‌لای صفحه‌های این کتاب پرسه بزنی و هیچ چیز هم برایت مهم نباشد. نه. باید مجوز ورود به گروه‌مان را داشته باشی.

قبل از اینکه مثل نادان‌ها خودت را ببندازی ته چاه، یک لحظه بنشین و به این عهدهای مقدس فکر کن.

– قول می‌دهم تمام سؤال‌های کتاب را با صداقتی بی‌رحمانه و موشکافانه جواب بدهم.

– قول می‌دهم به قدرت معجزه‌ی ورق زدن کتاب تکیه کنم تا به صورت تصادفی سؤال‌هایی را انتخاب کنم که بیشتر از همه به من مربوط‌اند.

– قول می‌دهم دیلم به دست در راهروهای مغزم راه بروم و تمام درهای بسته را باز کنم.

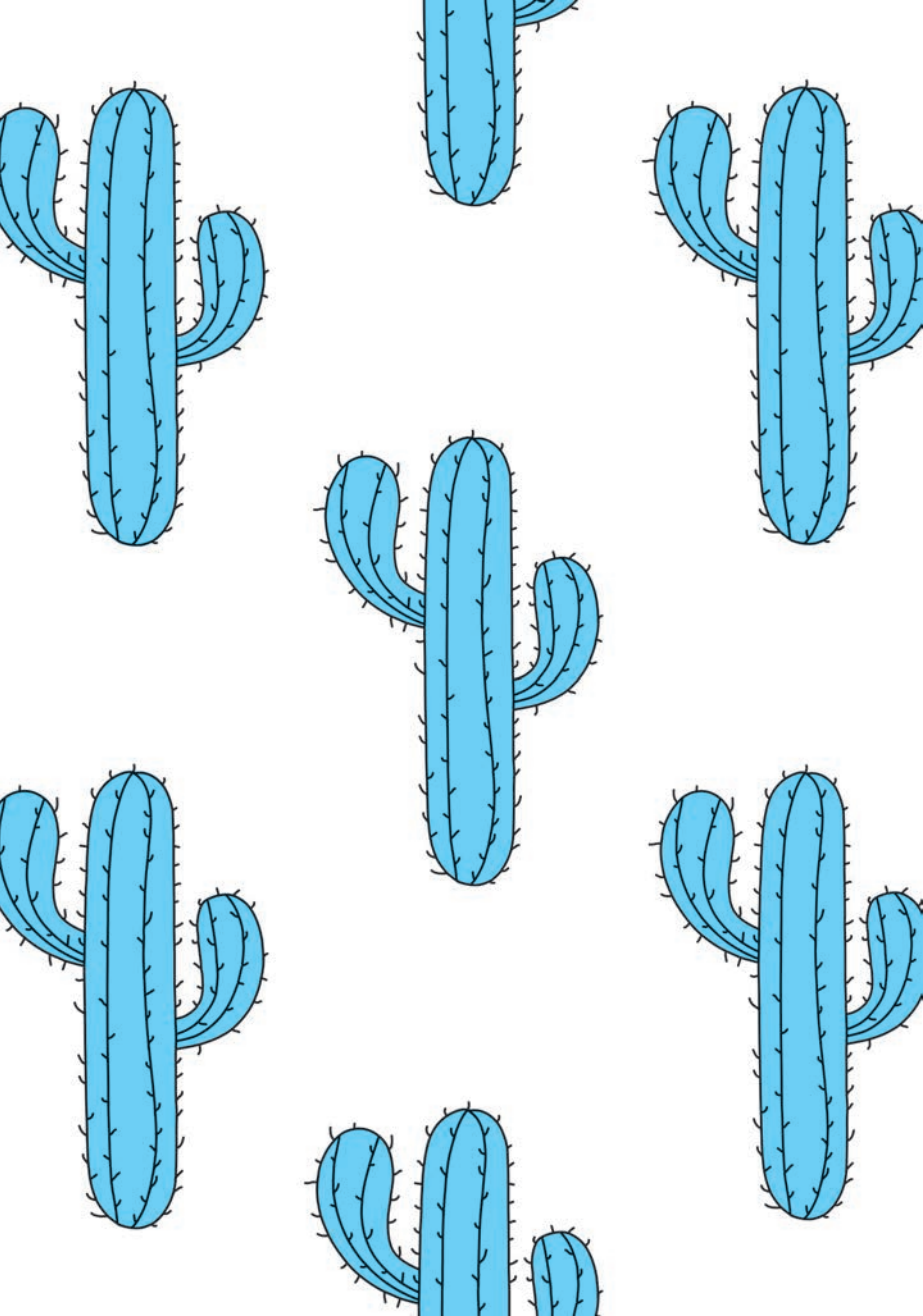
اگر بتوانی به این قول‌ها پایبند باشی، ما هم از ورودت به جامعه‌ی حقیقت و خودآگاهی استقبال می‌کنیم. جمله‌ی زیر را با دست خط خودت بنویس.

قول می‌دهم به قوانین جامعه‌ی «بعد از نوشتن بسوزان» پایبند باشم.

ادامه بده. قولت را زیر پا نگذار. صفحه‌ها را تصادفی انتخاب کن.
(شاید هم آن‌ها تو را انتخاب کنند!)



بعد از نوشتن
بسوزان



حقیقت

تکرار کن: دستم را روی قلبم می‌گذارم و از ته دل قول می‌دهم تا جایی که می‌توانم حقیقت را بیان کنم. (تقریباً راستش را می‌نویسم یا یک جورهایی راستش را می‌گویم نداریم!)

تو نمی‌توانی از دست حقیقت فرار کنی، اما حقیقت می‌تواند چنین کاری بکند. اینکه خودت را درست و واقعی ببینی کار راحتی نیست چون هر کاری هم که بکنی، نگاهت متعصب و جانبدارانه است، ولی خالی از لطف نیست گاهی وقت‌ها سعی کنی نگاهی صادقانه و روراست به خودت بیندازی؛ حتی اگر گاهی مجبور شوی از زاویه‌ای جدید به سؤالی نگاه کنی تا خودت را گول بزنی و حقیقت را بگویی.

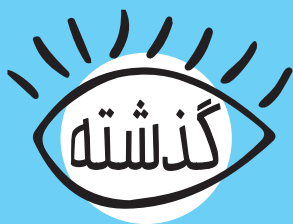
سعی کن به کتاب دروغ نگویی. این کتاب قضاوتت نمی‌کند. شجاع باش. هیچ‌کس به جز تو این کتاب را نمی‌خواند. (مگر اینکه کتابت را اتفاقی یا از قصد جایی احمقانه جا بگذاری.)

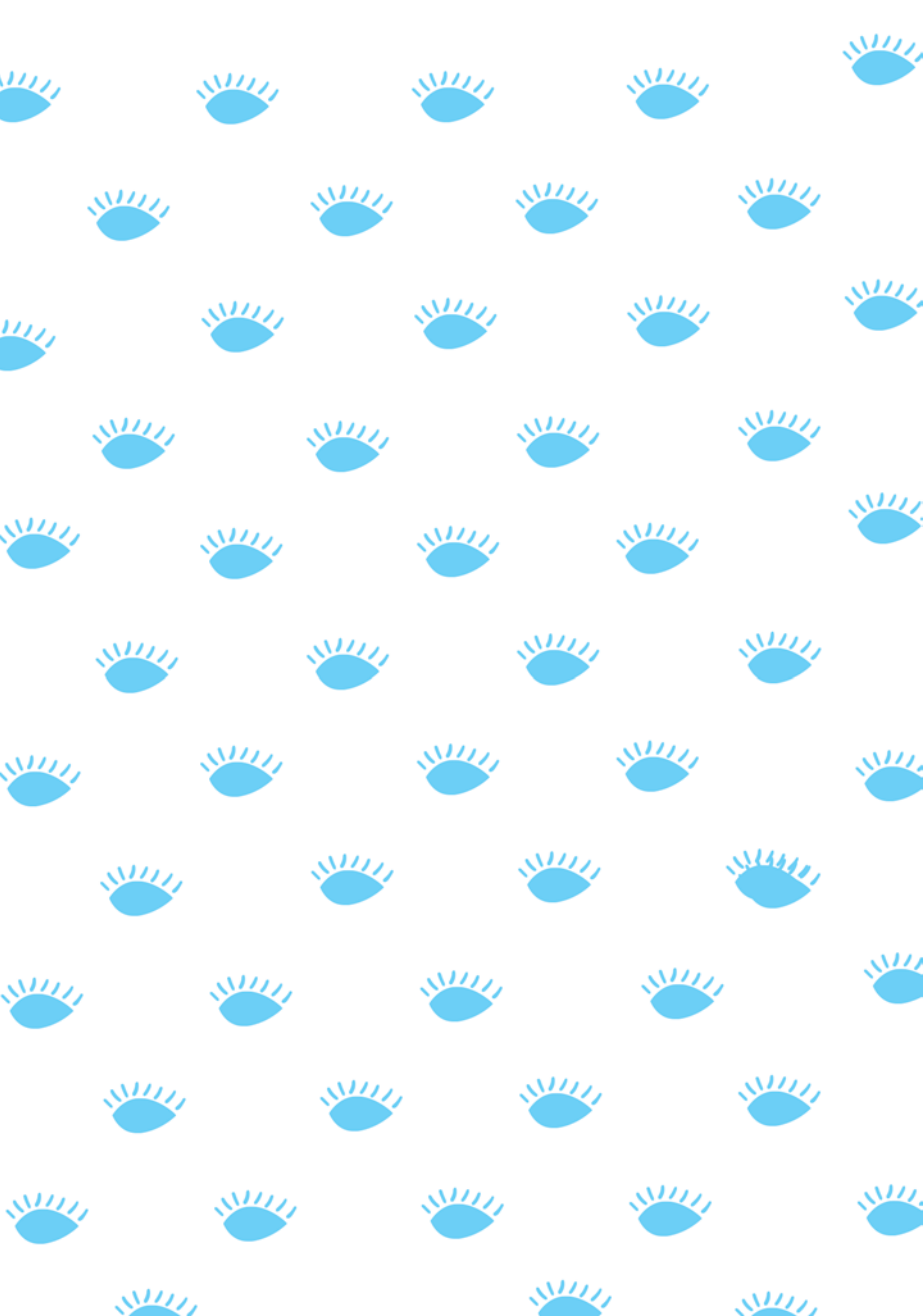
بعد از نوشتن بسوزان. یا نسوزان...

موفق باشی!



بروکه رفیم
رفیق





گذشته

روی پلی بین دو جهان ایستاده‌ای. پشت سرت سرزمین شادمان کودکی است و پیش رویت شهر درخشان بزرگ‌سالی. زیر پایت رودخانه‌ای پراز تمساح است و روی پل هم پراز چیزهایی که حواست را پرت می‌کنند. حالا چه کار می‌کنی؟

وقتی دیگر با دیدن آب‌نبات و شکلات ذوق‌زده نشدی، بدان و آگاه باش که داری آدم‌بزرگ می‌شوی. (این قانون برای همه درست از آب در نمی‌آید و پاستیل خرسی هم شاملش نمی‌شود.) آدم وقتی به گذشته نگاه می‌کند، دلش برای کودکی‌اش تنگ می‌شود، ولی یادت می‌آید وقتی بچه بودی، چقدر دلت می‌خواست بزرگ شوی؟

بهترین راه برای احترام گذاشتن به دوران کودکی‌ات این است که سعی کنی آدم شگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌ای شوی. جوری که حتی خودت هم فکرش را نمی‌کردی. از خودت بپرس وقتی بچه بودم، فکر می‌کردم کاری که الان می‌کنم خیلی خاص و خفن است؟ اگر جوابت مثبت است، برنده شده‌ای.

به این سؤال‌ها درباره‌ی گذشته‌ات جواب بده. بزرگ‌تر که شدی، دیگر دوران کودکی‌ات را به این روشنی به خاطر نمی‌آوری؛ آن وقت این کتاب به گنجینه‌ای ارزشمند تبدیل می‌شود که تا ابد از خاطراتت محافظت می‌کند.

گذشته

در باغ خاطرات قدم بزن تا به خاطرات مه‌گرفته‌ی قدیمی برسی.
همه دربارهی روزهای خوب گذشته حرف می‌زنند...

اولین خاطره‌ای که دارم...

بچه که بودم دوست داشتم در آینده بشوم .

به گذشته که فکر می‌کنم، بیشتر از همه دلم برای تنگ می‌شود.

اگر بخواهم دوران کودکی‌ام را در یک کلمه خلاصه کنم، باید بگویم...

بهترین دوستم در دوران کودکی...

مهربانانه‌ترین کاری که در حقم انجام شده و هیچ وقت فراموشش نمی‌کنم...

اولین ترانه‌ای که شنیده‌ام و یادم مانده...

معلمی که تا حالا بیشترین تأثیر را روی زندگی‌ام گذاشته...

اسباب بازی دوران کودکی‌ام که دوست دارم دوباره ببینمش...

قصه‌ی قبل از خواب مورد علاقه‌ام...

شهرهایی که بهشان سفر کرده‌ام...

آخرین برنامه‌ی تلویزیونی که دیده‌ام...

گران‌ترین چیزی که خریده‌ام...

اگر می‌توانستم در دوره‌ای از تاریخ زندگی‌ام دوره‌ی را انتخاب می‌کردم.

اولین چیزی که با پول خودم خریدم...

سخت‌ترین کاری که انجام داده‌ام...

بدمزه‌ترین چیزی که خورده‌ام...

ترانه‌ای که در کودکی عاشقش بودم...

خطرناک‌ترین کاری که تا حالا کرده‌ام...

چهار روز از بهترین روزهای زندگی‌ام...

۱.

۲.

۳.

۴.

اگر قرار باشد چهار و هشت ساعت با یک نفر وقت بگذرانم (چه زنده باشد چه نباشد).....
را انتخاب می‌کنم.

و با همدیگر...